

نوگرایی در هنرهای تجسمی ایران



گفت‌وگو با محمد مهدی یعقوبیان و علیرضا محبی
به انگیزه برگزاری نمایشگاه آثار نقاشی خط



حرف‌ها و رنگ‌ها

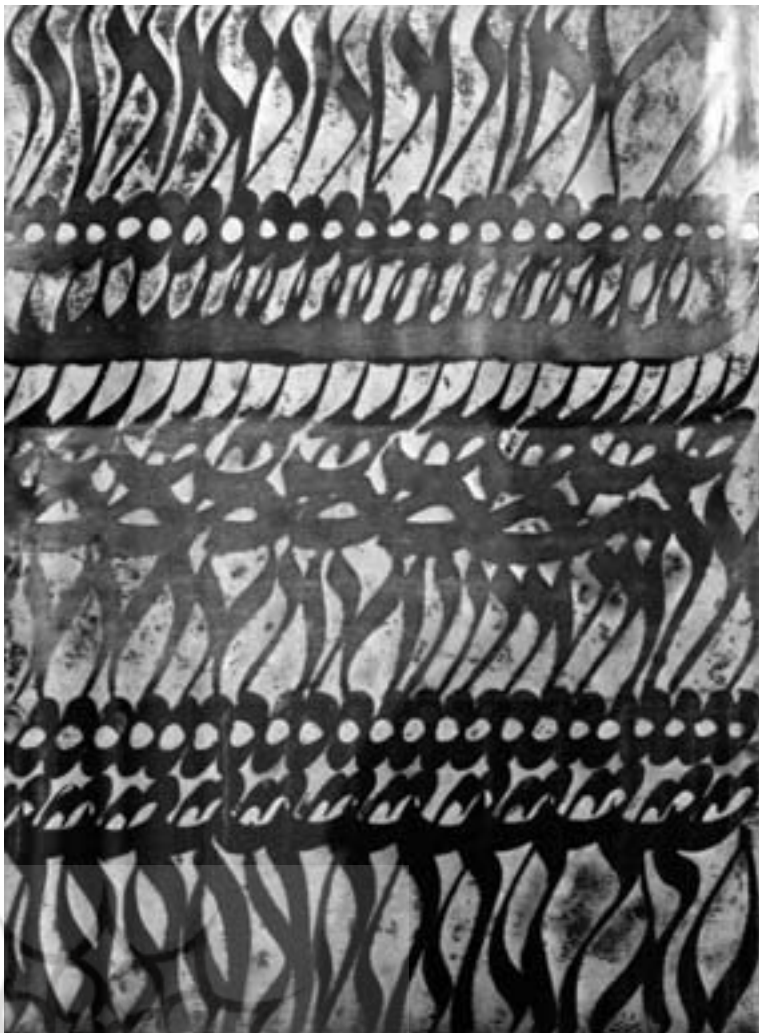


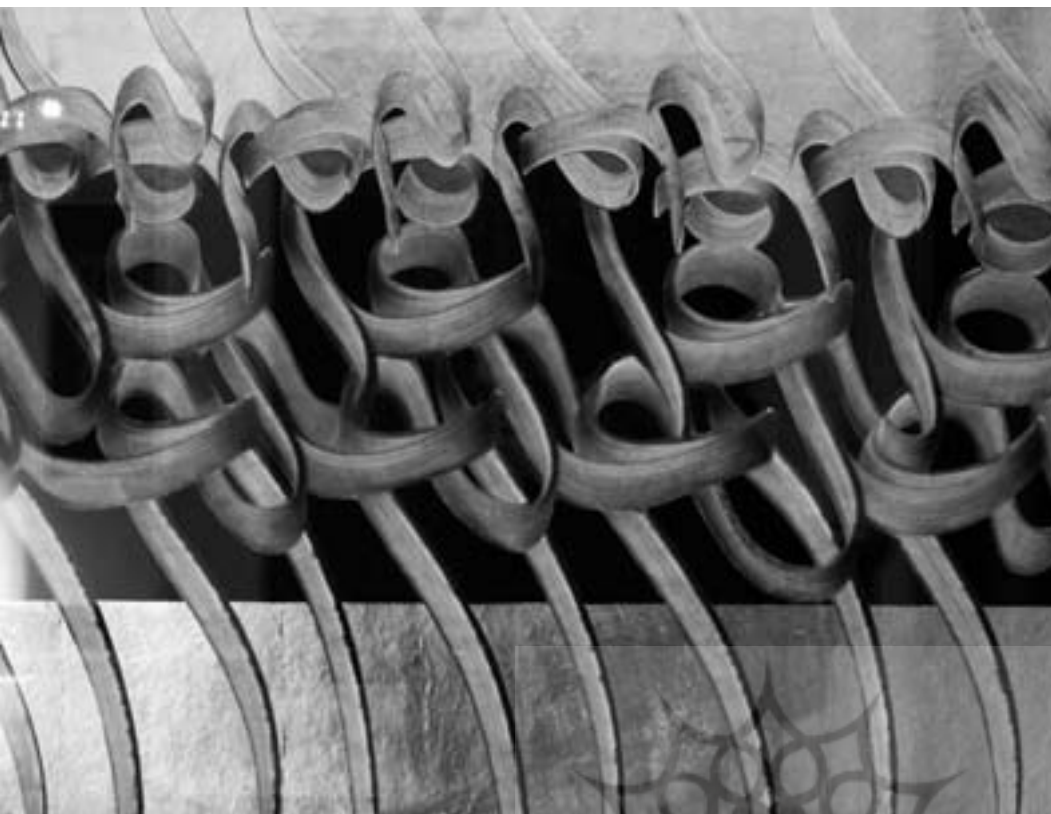
محمد قربانعلی

«نقاشی خط» اصطلاحی است که امروزه برای آثاری به کار می‌رود که با استفاده از رنگ و بافت و دیگر مواد، و خوشنویسی سنتی ایران جهت ارائه آثاری بصری، گاهی خوانایی خود را حفظ می‌کنند و در زمانی نیز خوانایی خطوط قربانی ترکیبات پیچیده و رنگین حروف می‌شود. عده‌ای اعتقاد دارند که این حرکت نوین در خوشنویسی و نقاشی ایران از دوره قاجار آغاز شده، اما حضور نمونه‌هایی در دوره‌های پیشین (در کار اسماعیل جلایر) این تفکر را به نوعی دچار تردید کرده است. در هر صورت این حرکت هنری که التقاطی از نقاشی و خط به طور عام است، امروزه گروهی از هنرمندان طراح و خطاط ما را به خود مشغول کرده است و بی‌شک به عنوان محملی برای بیان هنری آثار هنرمندان ایرانی می‌تواند شایان اهمیت باشد. نمایشگاه آثار نقاشی خط محمد مهدی یعقوبیان و علیرضا محبی در گالری صبا انگیزه‌های شد تا با این دو هنرمند گفت‌وگو کنیم و با دیدگاه آنان نسبت به نقاشی خط بیشتر آشنا شویم.

هر هنرمند در برگزاری نمایشگاه خود و ارائه آثار جهت مواجهه با نظریات مخاطبان و منتقدان اهدافی را دنبال می‌کند







که این اهداف بر اساس شرایط مکانی و زمانی بلند مدت و یا کوتاه مدت است. شما در برگزاری نمایشگاه آثار خود چه اهدافی را دنبال می‌کنید؟

یعقوبیان: در برگزاری یک نمایشگاه اهداف بی‌شماری وجود دارد که بر اساس نوع تفکر و گرایش هنرمند، آنها هم متفاوت‌اند. از این اهداف می‌توان به انعکاس یک فعالیت هنری که در جامعه رخ داده و نوعی خود آزمایی از عملکرد چندین ساله هنرمند اشاره کرد که بازتاب آن در نوع مخاطبان و سؤالات آنها از هنرمند قابل مشاهده است.

محبی: من با نظر آقای یعقوبیان موافقم و اعتقاد دارم اساس کار هنرمند در ارتباط با جامعه است. هنرمند با خلق اثر هنری درونیات و دغدغه‌های خود را در متن کار می‌آورد و سعی می‌کند به این وسیله با مخاطب خود ارتباط برقرار کند. هر هنرمند بعضی از آثار خود را نسبت به بقیه بیشتر می‌پسندد. من سعی کرده‌ام کارهایی را که خودم به آنها علاقه داشته‌ام در کنار بقیه آثارم در محضر قضاوت مخاطبان قرار دهم تا بتوانم با ویرایش فکری خود به ثبات کاری برسم.

در میان منتقدان و پژوهشگران و کسانی که درباره خوشنویسی قلم می‌زنند نوعی دوگانگی جایگاه خوشنویسی به عنوان هنر وجود دارد و هنوز هم در پرده ابهام مانده است. به نظر شما خوشنویسی هنر است یا آن را باید به عنوان یک فن به حساب آورد؟

یعقوبیان: در مورد اینکه خوشنویسی هنر است یا فن صحبت‌های بسیاری شده است ولی من معتقدم مانند سایر هنرها، هنر خوشنویسی نیز در شرایطی صرفاً فن می‌شود و آن زمانی است که هنرمند صرفاً کپی کند. ولی زمانی نیز هست که از کپی صرف خارج می‌شود، این دیگر فن نیست. به قول استاد احصایی، خوشنویسی به جایی می‌رسد که به آن «فرا فن» می‌گویند.

محبی: قسمتی از خوشنویسی را همواره باید فن گفت؛ زمانی که صرفاً هنرمند تقلید می‌کند. قسمت دیگر را که هنرمند همچون طراح، خلق می‌کند، باید هنر گفت. نقاش وقتی تصویری از درختی که هست می‌کشد، بدون دخل و تصرف در آن، تا اینجا این هنر نیست بلکه فن است، زیرا دید هنری پشت آن نیست. همان‌طور که گفتیم این موضوع در خوشنویسی نیز صدق می‌کند. اما وقتی خوشنویس اثر خود را از نوشته صرف خارج می‌کند و با استفاده از کلیه اسلوب‌ها به آن بیان تصویری می‌بخشد، دیگر هنر است. اگر ما بخواهیم چیزی را تکرار کنیم این هنر نیست، ولی با این فرض که از آثار گذشته بهتر شود و در نهایت زیبایی قرار گیرد، این هنر است. مثال اینکه زمانی تکرار حرف «و» یک اثر هنری قلمداد می‌شود که هر «و» از بقیه «و»ها زیباتر باشد، نه شبیه هم باشند.

در خوشنویسی یک هنر جو از بدو ممارست تا زمانی که به درجه استادی می‌رسد خواسته یا ناخواسته باید از روش استاد

خود پیروی و از آثار اساتید مشق بسیار کند به نوعی که بعضی از آثار بیشتر نوعی کپی برداری است تا اثر خود هنرمند. نقاشی خط نیز از این قاعده مستثنی نیست. شما چقدر در آثارتان از اساتید خود تأثیر پذیرفته اید؟

یعقوبیان: ما نمی‌توانیم بگوییم اساتید گذشته در روند شکل‌گیری آثار ما بی‌تأثیر بوده‌اند. هنر به مثابه یک جریان است. هر کس در جایی از این جریان حضور دارد و همه به نوعی از هم متأثرند. اما تأثیر به نظر من به دو صورت است: یکی تأثیر مستقیم که شخص در محضر کسی تعلیم می‌بیند؛ و دیگری اینکه حضور ویا روحیات آن شخص به هنرمند انرژی می‌دهد. شما یک قله برفی بلند را تصور کنید که به آن دسترسی ندارید و همه آمال و آرزوهایتان رسیدن به آن قله است. این خود انرژی مثبتی است که شما را برای فتح قله تحریک می‌کند. بنده به این صورت از اساتید گذشته و آثارشان تأثیر پذیرفته‌ام. در یک جشنواره با استاد احصایی ملاقات کردم. آن زمان من نوجوان بودم و تنها از ایشان اسمی شنیده بودم. ملاقات با استاد احصایی تأثیر بسیاری در من به‌وجود آورد. اساتید و گذشتگان به نوعی راه را برای آیندگان هموار می‌کنند. زمانی مافی و احصایی و زنده رودی و دیگر هنرمندان شروع کردند و کارشان منجر به این شد که ما به افق بالاتری نگاه بیندازیم. حضور استاد احصایی در آموزش سنتی من تأثیری نداشت ولی همان‌طور که گفتم نظرات ایشان در خلق آثار جدیدم تأثیر گذار بود.

محبی: من هم از اساتید گذشته من جمله استاد احصایی تأثیر گرفته‌ام و از کارهای ایشان نیز مشق کرده‌ام. البته انرژی از تأثیر پذیری صرف بیشتر بوده است. تفاوت آثار من با استاد احصایی در این است که من هندسه را فدای ترکیب بندی نمی‌کنم. من در آثارم به خوشنویسی پایبند هستم و شما در این آثار می‌توانید به عینه مشاهده کنید؛ ولی در آثار استاد احصایی حروف فدای ترکیب بندی می‌شوند و در زمانی از حالت هندسی خود خارج می‌شوند و تغییر پیدا می‌کنند. البته باید به این موضوع اذعان کرد که در گذشته و در بین هنرمندان پیشرو در نقاشی خط نیز همین امر بوده است و ایشان نیز از گذشتگان تأثیر گرفته‌اند. من کارهایی از آثار قدما دیده‌ام که آثار یکی از هنرمندان معروف شبیه آنها بوده‌اند. در گذشته نیز این روند بوده است ولی چرا اهالی هنر به آنها توجه نداشته‌اند؟ شاید به این دلیل است که سلاطین آن زمان با این‌گونه آثار همخوانی نداشته است. پس از دیدن آثار من شاید بگویند که من مقلد، اما باید توجه داشت که در خوشنویسی یکی از معیارهای اولیه تقلید است. ولی همان‌طور که گفتم من سعی کرده‌ام با استفاده از رنگ و بافت و سایر مواد و نوع نگاه متفاوتم نسبت به حروف با استاد احصایی، به یک امضای شخصی برسم که این خود حرکتی است برای تغییرات در آینده کاری‌ام.

وقتی به آثار شما نگاه می‌اندازیم، آثاری می‌بینیم که بیشتر بر پایه ریتم و ترکیب بندی حروف به کمک مواد مختلف به‌وجود آمده است و حضور آثاری که ما را به یاد آثار مرحوم زنده رودی می‌اندازد.

یعقوبیان: آثار من بیشتر با تکیه بر ترکیب بندی خلق شده است. سعی کرده‌ام در آثارم از مواد شخصی استفاده کنم. البته بعضی از آثارم را در رده گرایش‌های نوین خوشنویسی قرار داده‌اند که این دسته بندی و به‌وجود آوردن چارچوب برای هنری همچون نقاشی خط کمی مشکل است، زیرا این هنر به‌صورتی است که در زمانی به نقاشی گرایش بیشتری دارد، گاهی به خوشنویسی و گاهی به گرافیک. در جشنواره‌ها نیز ما با این مشکل مواجه بوده ایم که داوران بر اساس نگرش خود و تعریفی که داشته‌اند یک اثر نقاشی خط را جزو یکی از رشته‌هایی که اشاره شد قرار داده بودند و هنوز یک تعریف مشخص و معیار منسجم برای نقاشی خط وجود ندارد، و بر اساس برداشت هنرمند و یا مخاطب این آثار در رده ای خاص قرار می‌گیرند.

در جشنواره‌های خوشنویسی به بخشی بر می‌خوریم با عنوان «گرایش‌های نوین در خوشنویسی» که نقاشی خط نیز جزو آن است. به نظر شما این تقسیم‌بندی، تقسیم‌بندی مناسبی است؟

محبی: گرایش‌های نوین ترکیبی از خوشنویسی، طراحی، تصویر سازی و نقاشی است. مثل شعر نیما یک آغاز دارد ولی هنوز به شعر شاملو و سهراب نرسیده است. نقاشی خط و گرایش‌های نوین نیز مانند این مثال است؛ شروع خوبی دارد ولی به جایی نرسیده و معیاری ندارد. اگر هم قرار باشد معیاری انتخاب شود، باید همه چیز لحاظ شود؛ از مواد مختلف گرفته تا حیطه‌های یک اثر، زیرا همان‌طور که اشاره شد نقاشی خط ترکیبی از چند هنر است که در هر اثر نوع تمایل به یکی از این هنرهای یاد شده بیشتر از بقیه است.

آینده این هنر را چگونه می‌بینید؟

یعقوبیان: ما در کشوری زندگی می‌کنیم که یکی از تمدن‌های بزرگ بوده، ولی متأسفانه باید در نقاشی خط از کشوری تأثیر بپذیریم که حتی به مساحت یکی از استان‌های ایران هم نیست. تا کی باید منتظر بمانیم که در دیگر کشورها اتفاقی بیفتد و ما دنباله روی آنان باشیم؟ متأسفانه به این هنر زیاد توجه نمی‌شود.

محبی: بحث فروش این آثار هم مانند خودشان تکلیفی نامشخص دارد. بعضی‌ها معتقدند نباید جوان‌ها آثارشان را خوب بفروشند. باید جامعه هنری ایران بپذیرد که نسلی جدید آمده است که دارای انرژی‌های مثبت بی‌شماری است و حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. بیایم راه را برای آنها باز کنیم؛ کسانی که می‌خواهند خود حرف بزنند، می‌خواهند خودشان باشند نه کس دیگری.